

- جهان‌نو -

چهره غمگین من

نمونه‌هایی از داستانهای کوتاه آلمانی

ترجمه دکتر تورج رهنما



ترجمه

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	هاینریش بل
۱۳	چهره غمگین من
۲۲	در سرزمین ریوکی‌ها
۲۷	معشوقه فنا ناپذیر
۳۳	ابدیت آمار
۳۶	لطیفه‌ای برای تضعیف وجدان کاری
۴۱	هانس بندر
۴۳	گرگ‌ها باز می‌گردند
۵۱	کبوتران ایلیا
۶۰	خون گوسفند
۶۶	طلب بخشش
۷۱	ولف دیتريش اشنوره
۷۳	فرار
۷۹	هانا هانیش
۸۱	آیا دوباره...؟
۸۵	ولفگانگ بوشرت
۸۷	در آن سه شبه
۹۳	موش‌های صحرائی شب‌ها می‌خوابند
۹۷	نان
۱۰۰	قصه‌های خواندنی
۱۰۵	ایلزه آیشینگر
۱۰۷	معلم سرخانه
۱۱۳	کورت مارتی
۱۱۵	کعبه را دیدن و مُردن
۱۱۷	گرهارد تسورتس
۱۱۹	روی بام‌ها

۱۲۷	زیگفرید لنتس
۱۲۹	شب در هتل
۱۳۴	پدر بزرگ من
۱۴۱	ویلدنبرگ بزرگ
۱۴۶	دُم خروس
۱۵۴	در قطار
۱۶۱	ماکس فُن در گرون
۱۶۳	یک حادثهٔ نه چندان مهم
۱۷۳	کریستا راینیک
۱۷۵	تقاضانامهٔ ژاپنی
۱۷۷	مارتین والزر
۱۷۹	شکایات در مورد روش‌های من
۱۸۵	هربرت ماله‌شا
۱۸۷	آزمایش
۱۹۳	کریستیان گایسلر
۱۹۵	مرخصی در مالورکا
۲۱۱	گونترو کونرت
۲۱۳	ایستگاه راه‌آهن مرکزی
۲۱۷	هربرت هکمان
۲۱۹	غذای آخر
۲۲۳	گابریله وُمان
۲۲۵	آدم مطبوع
۲۲۹	یورگن پکو
۲۳۱	ملاقات اداری
۲۳۳	پتر بیکسل
۲۳۵	میز، میز است
۲۴۰	شیر فروش
۲۴۳	پتر هاندکه
۲۴۵	طغیان

پیشگفتار

نخستین کسی که در ایران مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه آلمانی را منتشر کرد، دوستِ از دست رفتهٔ من هوشنگ طاهری بود. کتاب او نزدیک به بیست و پنج سال پیش به چاپ رسید و طبیعی است که به سبب ظهور نویسندگان جوان‌تری در سال‌های اخیر در عرصهٔ ادبیات کشورهای آلمانی - زبان به تکمله‌ای نیاز داشت. من کوشیده‌ام که با کتاب حاضر این کمبود را تا حد ممکن جبران کنم.

مجموعه‌ای که در دست شماست دارای چند ویژگی است:

- شامل گزیدهٔ داستان‌هایی است که بین سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۸۵ در کشورهای آلمانی زبان انتشار یافته‌اند.

- سی و پنج داستان کوتاه از بیست نویسندهٔ صاحب نام را در برمی‌گیرد. من در گزینش این داستان‌ها به آثار نویسندگان اتریشی و سوئیسی به همان اندازه توجه کرده‌ام که به آثار نویسندگان آلمانی.

- نخستین نویسندهٔ این مجموعه هاینریش بل (متولد ۱۹۱۷) و آخرین آنان پتر هاندکه (متولد ۱۹۴۲) است. ترتیب ذکر نام داستان نویسان بر حسب سال تولد آنان است.

- از هر نویسنده‌ای بین یک و پنج داستان انتخاب کرده‌ام. ملاک من در

هاینریش بُل (Heinrich Böll)

بُل در ۲۱ دسامبر ۱۹۱۷ در کلن متولد شد. پس از دریافت دیپلم دبیرستان به تحصیل ادبیات آلمانی پرداخت، اما با آغاز جنگ به خدمت سربازی فراخوانده شد و ناگزیر تحصیل را رها کرد. بُل از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ در جبهه‌های گوناگون خدمت کرد و چندین بار مجروح شد. او پس از جنگ بار دیگر به تحصیل و همزمان با آن به انتشار داستان‌های کوتاه خود در مجله‌های ادبی پرداخت. نخستین داستان بلند نویسنده قطار بموقع رسید نام داشت و به سال ۱۹۴۹ منتشر شد. از آن پس آثار بُل یکی پس از دیگری به چاپ رسید. از میان نوشته‌های او باید از رمان‌های معروف خانه بدون نگهبان (۱۹۵۴)، بیلیارد در ساعت نه و نیم (۱۹۵۹)، عقاید یک دلک (۱۹۶۳) و عکس دسته جمعی با بانو (۱۹۷۱) نام برد. این آثار به اضافه داستان‌ها و مقاله‌های فراوانی که بُل در طول عمر نویسندگی خود نوشت، سبب شد که در ۱۹۷۲ جایزه ادبی نوبل به وی اعطا شود. بُل در تابستان ۱۹۸۵ درگذشت. اگر چه بُل در آغاز کار نویسندگی چندان مورد استقبال هموطنانش قرار نگرفت - و این موضوع به سبب سوءظنی بود که نسل سرخورده پس از جنگ به همه هنرمندان نوخاسته داشت -، اما امروز به عنوان یکی از پرخواننده‌ترین نویسندگان اروپا به شمار می‌آید. محبوبیت بُل تنها به کشورهای آلمانی زبان محدود نمی‌شود، کتاب‌های او در آمریکا همان اندازه مورد استقبال مردم است که در شوروی؛ در برزیل همان اندازه که در ژاپن. دلیل این امر از یک سو طرح مسائل انسانی در آثار اوست و از سوی دیگر زبان نسبتاً ساده وی، که غالباً با طنزی دلنشین همراه است.

این گزینش اهمیت نویسندگان و کیفیت آثار آنان بوده است.

- کوشیده‌ام که داستان برگزیده نمونه مناسبی برای شیوه کار نویسنده آن باشد و تا حد ممکن ارزش هنری وی را نشان دهد.

- از سی و پنج داستان مجموعه حاضر سه داستان آن را پیش از این هوشنگ طاهری به فارسی برگردانده است. من این داستان‌ها را برای یادآوری از او و به سبب دینی که به او دارم، در کتاب حاضر نقل کرده‌ام. این داستان‌ها با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند.

نکته آخر:

نخستین ترجمه‌های این مجموعه به بیست و پنج سال پیش باز می‌گردد. من برگردان بیش از دو سوم این داستان‌ها را در دهه پنجاه در مجله‌های معتبر ادبی منتشر کرده‌ام. به هیچ رو ادعا نمی‌کنم که همه آنچه در این مجموعه آمده است، بهترین نمونه آثار نویسندگان آلمانی زبان است، اما غنا و تنوع ادبیات داستانی امروز این کشورها را از همین نمونه‌های اندک نیز می‌توان دریافت.

تهران، خرداد ماه ۱۳۷۲

تورج رهنما